

## خرافات دیروز و امروز در جامعه ژاپنی

نگارش جمشید جمشیدی

پیش گفتار

لازم است ابتداء در رابطه با واژه خرافه توضیحات مختصری ارائه شود. آن چه که در جامعه ما به مقوله خرافه<sup>1</sup> منسوب است شامل رسوم و آدابی است که با ذهن سلیم مستدل و منطقی امروز انطباق نداشته و قابل بازتولید و اثبات نیست. اما فارغ از غیر عقلانی و غیر منطقی بودن خرافه باید پذیرفت که خرافه محصول تجربیات روزمره مردم در مکان و برهه زمانی مشخص در جامعه است که در انطباق با سطح درک و قضاوت قشری از وقایع توسط مردم شکل میگیرد.



در متن نوشتار نام بسیاری از استان ها و شهرهای ژاپن ذکر می شود که می توانید برای شناخت آن ها به این نقشه مراجعه کنید.

<sup>1</sup> "خرافه" ظاهراً در روایات نام یک شخص عرب بوده، که اتفاقاً مرد با هوش و دانایی بوده است. چون اطرافیان قادر به درک گفته های او نبوده اند کم صحبت های او را با تمسخر که آقای "خرافه" گفته است با بی اعتنائی می شنیدند. از آن به بعد هر موضوع یا سخنی که از کسی حکایت میشده و فهم آن مشکل می نموده است "خرافه" می نامیدند.

آن چه این نوشتار به خرافه در جامعه ژاپن منسوب میکند توسط پژوهشگران و صاحب نظران این حوزه به مراسم سنتی<sup>۲</sup> و عادات بومی<sup>۳</sup> مردم ژاپن تعبیر می شود که در زمان خودش چه بسا ابزارهای مهمی در تحقق زندگانی روزمره مردم بشمار می آمدند.

### خرافات ازدواج و زایمان

از عصر می جی تا اوایل شووا (اواسط قرن نوزده تا اواخر قرن بیستم) در حوالی شهرهای شمالی ژاپن مرسوم بود برای زن و مردی که ناکام از تجربه ازدواج فوت می کردند جشن عروسی می گرفتند. زن و مرد مجردی که همزمان فوت میکنند آن ها را در جوار هم دفن می کردند تا حداقل در آن دنیا به وصال یکدیگر برسند. خانواده های باز مانده زن و مرد فوت شده با توافق هم جشن عروسی رسمی را به یاد آن ها در معبد بر گزار می کردند و از آن بعد دو خانواده نسبت به هم فامیل می شدند و همیشه در مصاحبت با هم روزگار می گزاردند.



تا حدود سه دهه قرن بیستم میلادی مرسوم بود که دختر یا زن قاعده (در دوره عادت ماهانه) و زنی که نزدیک به هنگام زایمان است نجس قلمداد میشد و مجاز نبود با اهل خانواده در یکجا ظاهر شود و یا همزیستی کند. اصولاً خون آلوده و بدیمن شمرده میشد و زن قاعده باید در اتاق مخصوص تا اتمام دوره ماهانه خود حبس میشد، غذا خوردن و توالت رفتن او نیز جداگانه صورت می گرفت. در صورتی که می خواست وارد اتاق شود قبل از ورود باید اندام خود را با نمک طهارت میداد.

آلوده شماردن خون ماهانه در زنان باقیمانده باورهای عصر کهن در جامعه ژاپن است. چون در عصر باستان خون منتشر از دختران بکره در اولین تجربه مجاورت با مردان نیز آلوده و بدیمن شناخته میشد و این خون نمی بایست در خانه مردی که شوهر آینده دختر است ریخته شود. بنابراین دختران قبل از ازدواج مجبور بودند با شخص دیگری غیر از شوهر آینده خود همخوابی می کردند تا به اصطلاح پاک و شایسته ازدواج بشوند. در گوشه ای سالمندترین مرد روستا نقش اولین خونریز را بعهده میگرفت.

در اواخر عصر ادو و اوایل عصر می جی حوله ای به دست دختران میدادند و به همراه مادرش در رهگذر پر رفت و آمد به دنبال مردی که ایفای نقش اولین خونریز را به پذیرد می گشتند. دختر به شخصی که این مسئولیت را می پذیرفت حوله خود را به نشانه تشکر هدیه میداد و آن ها شبی را با هم می گذراندند.



رسمی که از روزگاران قدیم در ژاپن رایج بوده است ممانعت از شستن موی سر زنی که دوران پس از زایمان را می گذراند. زمان لازم برای اهتراز از شستن موی سر از یک ماه تا سه ماه نوسان دارد. این گونه باور دارند که شستشوی موی سر پس از زایمان سبب سرد شدن تمام بدن زن و نارسائی در گردش خون او میشود که ممکنست زن را دچار بیماری های گردش خون نماید. رعایت نکردن این رسم سبب افسردگی و بهم خوردن تعادل یا پریشانی روحی زن پس از زایمان میشود.



تحت تاثیر باورهای چینی از ایام کهن ژاپنی ها به بدیمن بودن سن خاصی در اشخاص باور دارند. در عصر کهن سن بدیمن<sup>۴</sup> در مرد و زن یکسان و شامل سن های ۱۳، ۲۵، ۳۷، ۴۷، ۶۱، و ۷۲ سالگی بوده است. ولی

<sup>2</sup> tradition=しきたり (shikitari)

<sup>3</sup> customs=風習 (fushu)

<sup>4</sup> 厄年=yakudoshi

اکنون سن بد یمن در مرد و زن تفاوت پیدا کرده است. در مرد سن های ۲۵، ۴۲ سالگی بد یمن و در زن ها سن ۱۷، ۳۳ سالگی بد یمن شناخته شده است. سن بد یمن ممکن است منادی بیماری، رنج، وقوع سوانح و حوادث غیر مترقبه دیگر باشد. در یکسال قبل و یکسال بعد و خود سن بد یمن که جمعاً سه سال شخص باید بسیار مواظب باشد تا گرفتار اتفاقات ناخوشایند نگردد. برای رهایی از رخدادهای ناگوار اشخاص به معابد میروند و دعا میکنند و از سرور معبد آرزوی خوشی و نجات از بلا می کنند. در مناطق غربی ژاپن باور بر این بود که اگر خانواده ای در سن بد یمن صاحب فرزندی میشد امکان داشت فرزند آن ها هم به مانند پدر و مادر خود گرفتار ناخوشی های غیر مترقبه بشود. برای رهایی از بد یمنی نوزاد خود را در روز نامگذاری که روز هفتم بعد از تولد بود او را در سبده می گذاشتند و دور می انداختند. شخص که ظاهراً قبلاً برای یافتن نوزاد تعیین شده است با یک جارو و خاک انداز نوزاد را پیدا میکند و به خانه خود میبرد. روز بعد نوزاد را به خانه پدر و مادر فرزند میبرد و ادعا میکند که " این نوزاد را پیدا کردم لطفاً او را به پذیرید و پرورش به دهید". شخصی که نوزاد را یافت به مادر خوانده نوزاد بدل میشود و فرزند در روز نوبت هر سال به خانه مادر خوانده خود می رود و ادای احترام و امتنان میکند.



در استان آی ایچی در شرق ژاپن در ایام باستان رسم بود در روز بد یمن شخصی را در راه خدا قربانی می کردند. به این رسم که مقدس پنداشته میشد "ناوی" می گفتند. این رسم امروزه منسوخ شده است ولی ریشه های آن پابرجاست. اهل محل از بین اشخاصی که در آستانه سن بد بودند فردی را بطور تصادفی انتخاب میکردند و تا فرا رسیدن روز بد یمن در معبد حبس میکردند. این شخص بجای تمام افرادی که در سن بد یمن قرار داشتند فدا میشد و بدین وسیله نحسی بد یمنی سن را بدر می کردند.



در استان نارا امروزه رسمی جریان دارد که ریشه در مراسم باستان دارد. در معبد شیئوری آئین شینتو در فصل پائیز مرسوم است که در مقابل ظهور مادر بزرگی که ظاهراً در جایگاه خدای این معبد است عروسی را که از حصیر ساخته شده است به درون دهان مار می اندازند تا رضایت او را کسب کنند. در ایام باستان بجای عروسک یک کودکی را قربانی می کردند. با این قربانی جان خود را برای یکسال از بلاهای مار حفظ میکردند.



رسم است که در مجالس عروسی نباید از برخی واژه های بد یمن استفاده کرد. واژه هایی از جمله "بریدن"، "پایان دادن"، "روی هم چین" یا "تکرار" بد یمن شناخته شده اند. زیرا این واژه ها زمانی که با رخداد فرخنده ازدواج پیوند یابند معنای منفی پیدا میکنند. بریدن کیک را در مجلس عروسی "وارد کردن چاقو درون کیک" می گویند تا از بکاربرد واژه بریدن پرهیز کنند.



کودکی را که قبل از تولد در شکم مادر فوت میکند و یا جنین سقط شده را به زبان ژاپنی "میزوکو"<sup>۵</sup> می گویند. "میزوکو" یعنی فرزند آب. این اصطلاح بر گرفته از یک سنت کهن است. در ایام قدیم زمانی که امرار معاش سخت بود و پرورش کودکان برای اولیا با مشکلات بسیار همراه بود و افزون بر آن روشی برای جلوگیری از آبستنی های ناخواسته نبود نوزادان را می کشتند. نوزاد فوت شده را در حصیری می پیچیدند و در صورتی که نوزاد پسر بود آن را به یک بادبزنی ژاپنی و برای نوزادان دختر به یک کفگیر تزئین میدادند و در رودخانه روان

<sup>5</sup> Naoui= 雛追

<sup>6</sup> Mizuko= 水子

می کردند. این نوزادان را فرزندان آب می نامیدند. اصطلاح "میزوکو" هنوز امروزه کاربرد دارد. برای تقد و نگاهبانی از ارواح این کودکان ناکام در برخی از معابد سرور نگهبان وجود دارد. به نشانه پاسداری از روح هر کودک یک صندوق مخصوص در معابد تعبیه شده است و در زمان مناسب اولیای کودکان در معبد تجمع می کنند و به یاد فرزندشان دعا می خوانند. فرتور ۱ نمونه ای از مجسمه سرور نگاهبان فرزندان آب یا "میزوکو" را نشان میدهد.



فرتور ۱ سرور بن زای تن نگاهبان فرزندان آب در معبدی در

شهر ای باراکی در شمال استان اوساکا (تصویر از خود نگارنده است)



بر پائی جشن عروسی در برخی از روزها بد یمن شناخته شده است و سعی میشود در حد امکان در روزهای دیگر خوش یمن انجام گیرد. در عصر کاماکورا<sup>۷</sup> (۱۱۸۵-۱۳۳۳ میلادی) گاهشمار ژاپن تحت تاثیر فرهنگ چین تنظیم می شود. طبق این گاهشمار روزهای هفته همگی از خصوصیتی انسانی در پیوند با رفتار مردم برخوردارست. شش خصوصیت به ترتیب در روزهای هفته تکرار میشود. این شش خصوصیت به ترتیب عبارتند از: ۱- عجله موجب برد است، ۲- برد و باخت ندارد، همراهی اصل است، ۳- عجله موجب باخت است، ۴- حتا بودا هم نابود میشود، ۵- نهایت صلح و آرامش، ۶- زبان سرخ یا با آتش بازی کردن. ترتیب شروع این خصوصیت ها در روزهای ماه های مختلف تفاوت دارد. روزی که خصوصیت "حتا بودا هم نابود میشود" مفروض است از تمام روز های دیگر بد یمن شناخته شده است و بهترین کار در خانه نشستن و دست بکاری نزدن است. روزی که خصوصیت "نهایت صلح و آرامش" فرض شده است انجام هر کاری به خوبی و خوشی امکان پذیر است. برگزاری جشن عروسی در این روز بسیار خوش یمن و پایدار تلقی میشود. بر عکس احتراز

<sup>7</sup> Kamakura=鎌倉(1185-1333)

از برگزاری جشن و پایکوبی در روز "حتا بودا هم نابود میشود" سبب کسادی کار سالن جشن ها شده است. در روز "برد و باخت ندارد، همراهی اصل است" شرکت در رخدادی سبب همراهی با آن رخداد میشود. شرکت در مجلس عزاداری چه بسا سبب همراهی با فوت شده و امکان مرگ زودرس شرکت کننده تلقی می گردد. رسوم و آداب خرافی بسیار دیگر در ژاپن رواج داشته است که اکنون با گسترش شهر نشینی و مدرن شدن جامعه منسوخ شده است. زمانی اگر کسی بین دختر و پسری واسطه میشد تا آن ها با هم ازدواج کنند حق داشت دختر را بمدت سه روز در خانه به اختیار خود در آورد. خوب معلوم است که در این مدت با او چگونه رفتاری می کرده است. یا دختری که نامزد پسری میشده است، آن پسر حق داشت شب ها در خانه دختر با او بخوابد تا او را امتحان کند. اگر دختر در این مدت از بوته آزمایش پسر موفق بدر می آمد و پسر از رفتار دختر در نهایت اظهار رضایت می کرد ازدواج با پسر برای او امکان پذیر میشد.

### خرافات کفن و دفن و عزاداری

می گویند زن حامله نباید در مجلس عزاداری شرکت کند. ممکنست روح مرده وارد تن او بشود هم مادر و هم جنین را با خود ببرد. اگر این منع رعایت نشود ممکنست جنین سقط شود. اما اگر شخص فوت شده یکی از بستگان یا آشنایان باشد و زن حامله خود را مجبور به شرکت در مجلس عزاداری دانست پیشنهاد میشود برای دفع واقعه یک آئینه دستی را به طرف بیرون روی شکم خود ببندد و در مجلس شرکت کند. آئینه خاصیت خنثی گری روح پلید را دارد و میتواند آن را در جا پس بزند و زن حامله را از آزار روح نجات دهد.



رسمی که امروزه هم رواج دارد طهارت اندام خود با نمک پس از بازگشت از یک مجلس عزاداری و قبل از ورود به خانه خود است. باور بر این است که شرکت در مجلس عزاداری سبب مشود روح فوت شده به همراه وارد خانه بشود و در آن جا سکنا کند. چون روح ممکنست قبل از مرگ در آرزوهای خود ناکام مانده باشد بهانه می گیرد و به آزار اهل خانه می پردازد. روح را به بیرون راندن، پرواز آن را به آسمان و بودا شدنش<sup>۸</sup> را تسهیل کردن مهم شناخته شده است.



پیروان آئین بودیسم به خصوص پس از فوت وابستگان خود در زمان های متناوب برای آن ها مجلس سوگواری برگزار میکنند. در آئین بودیسم خدای جهنم که به "اِما"<sup>۹</sup> (فرتور ۲) ملقب است مسئول رسیدگی به وضع فوت شدگان است و اوست که تعیین میکند شخص فوت شده باید به کدام راه از "شش جاده"<sup>۱۰</sup> هستی انتقال پیدا کند. پس از مرگ هر هفت روز یکبار تا چهل و نهمین روز خدای جهنم بر تحت قضاوت می نشیند و فوت شده را می آزماید. بنابراین بستگان شخص فوت شده حداقل هفت بار با تناوب هفت روزه باید مجلس سوگواری برگزار کنند و از خدای جهنم التماس آمرزش رفته خود را کنند. رعایت نکردن این رسم سبب میشود که شخص فوت شده در جاده جهنم سقوط کند.

<sup>۸</sup> باورمندان به آئین بودیسم پس از مرگ بودا میشوند و معتقدین آئین چند خدائی شینتو پس از مرگ در آسمان ها به خدا می پیوندند. خدای جهنم یا اِما ریشه در باورهای هندو دارد. اِما را در هندو "ییمه" میگویند که مترادف با جمشید در Emma=閻魔大王<sup>۹</sup> فرهنگ اصیل ایران باستان است. ولی جمشید خدای نوزائی و بهشت روی زمین لقب داشته است و با اِما ی هندی یا ژاپنی خلصت متفاوتی داشته است.

<sup>۱۰</sup> شش جاده هستی از مرتبه پائین شامل: جاده جهنم، جاده گرسنه گان، جاده جانوران، جاده آسوره ها، جاده انسان، جاده بهشت.



فرتور ۲ | اما خدای یا سلطان جهنم

مراسم سوگواری در چهل و نهمین روز فوت با مراسم هفته های قبل تفاوت هائی دارد. خانواده ها چون معتقدند شخص پس از فوت دست و پای خود را از دست میدهد در این روز کیک "موچی"<sup>۱۱</sup> درست میکنند و به یاد رفته خود به آن شکل دست و پا تزئین میدهند. برخی باور دارند که فوت شده خود در جهنم بوسیله میخ هائی که به بدنش وارد شده است محبوس شده است و اگر کیک "موچی" چهل و هفتمین روز به شرکت کنندگان در مجلس عزاداری سرو شود و یا به خدای جهنم تقدیم گردد دردهای فوت شده خودشان را تخفیف دهد.

می گویند هنگامی که خودروی مخصوص حمل میت را دیدید انگشت شصت خود را پنهان کنید. در غیر این صورت روح مرده سبب مرگ زودرس پدر و مادر شما میشود. در زبان ژاپنی انگشت شصت را "اویا یوبی"<sup>۱۲</sup> یا انگشت پدر و مادر می گویند. باور بر این است که روح میت از شکاف بین گوشت و ناخن انگشت شصت وارد بدن میشود و سبب مرگ پدر و مادر می گردد.

امروزه نیز در روستاهای مناطق شمالی ژاپن مرسوم است که خانواده با میت خود سه روز و شب را با هم می گذرانند. در اتاقی جداگانه که بر ورود نور و باد بسته است تا استخوان شدن مرده خود با او سر میکنند. دیدن استخوان های مرده به جهت تجربه مشاهده مستقیم وحشتناک روند پوسیدگی میت است.

باور بر این است زمانی که شخصی فوت میکند سریع به مکان اجتماع روح ها می شتابد. بنابراین خانواده یا بستگان شخص فوت شده موظف هستند سریع برای او پلو بپزند و در ظرفی که شخص در زمان حیات از آن استفاده میکرد است بگذارند و در جوارمکای او قرار دهند. این غذا به جهت آنست که فوت شده در مسیر پیمایش راه به سوی مکان اجتماع روح ها گرسنه نباشد تا بموقع به مقصد برسد. اگر بموقع پلو حاضر نشود شکم گرسنه سبب تاخیر میشود و از "بودا" شدن جا میماند. روی پلو هاشی(چوب های ژاپنی برای صرف غذا) قرار میدهند که به معنای آتشی است که پلو را طهارت میدهد.

از قدیم روایت شده است که آدم باید مواظب باشد در قبرستان زمین نخورد. اگر کسی در قبرستان زمین خورد

<sup>۱۱</sup> برای تهیه کیک "موچی" پلوی ژاپنی را بارها می کوبند تا کاملا بصورت خمیر در آید. گلوله های خمیر شده را موچی میگویند  
مه هم برای تزئین در مناسبات مختلف استفاده میشود و هم برای تغذیه در اعیاد گوناگون از جمله عید سال نو.

<sup>۱۲</sup> Oya-yubi=親指

روح از بدنش بیرون میجهد و هرگز به جای خودش باز نمی‌گردد. در آن صورت بر عکس ارواح خبیث مردگان در او نفوذ می‌کنند و در نهایت او را به جمع خود می‌کشانند و سبب مرگ او شوند. چنانچه در قبرستان زمین خوردید " یک آستین یا انگشت خود را جا بگذارید و فرار کنید"، این گفتار پندی است که امروزه نیز شنیده می‌شود. به عنوان روشی برای رهائی از آزار ارواح خبیثه توصیه شده است.



مراسم و باورهای عجیب و غریب بسیاری هم وجود داشته است که امروزه منسوخ شده است. ولی تعدادی هم با تغییراتی چهره عوض کرده و باقی مانده است. از آن جمله تا این اواخر در جزایری از سرزمین ژاپن استخوان مرده را به عنوان داروی شفا بخش استفاده میکردند. پس از آن رسم دفن میت در قبر ممنوع شد و رسم سوزاندن جسد رواج پیدا کرد. استخوان های میت پس از سوزاندن پاک و حاوی روح سازنده تعبیر شد. جویدن این چنین استخوان های پاک با انگیزه و نیرو گرفتن از روح مرده به عنوان داروی معجون تجویز شد.

### خرافات در ارتباط با کوه

کوه در باورهای آئین باستانی شینتو در ژاپن مقدس قلمداد میشود. اصولاً خود کوه نماد خدا است و آن هم زنخدا است. مشهورترین کوه ژاپن فوجی(سان) به جهت شکل هرمی خوش تراش طبیعی با رأس یا قله تیز آن که آسمان را نشانه گرفته است آن را با جهان بالا پیوند میدهد. از روزگاران قدیم اعتقاد مردم براین بوده است که روح شخص بعد از فوت به نزدیک ترین کوه میرود و سپس با صعود از کوه از قله آن به آسمان پرواز میکند. در مناطق شمال شرقی ژاپن هر ساله در روز ۲۳ ماه اوت مراسمی در این رابطه برگزار میکنند. کاهن محله گل و مواد غذایی را به کوه مجاور میبرد و نذر کوه میکند و از آن خواهش میکند تا همچنان ارواح را به آسمان هدایت کند.

کوه بر تمام هستی های اطراف خود از جمله حیوانات و گیاهان کوهی تسلط دارد و اطاعت از آن شرط ورود به حوزه کوه شناخته شده است. در روستای استان ایواته مردها قبل از بالا رفتن از کوه دروازه مقدس معبد شینتویی "توری ای" را در اینجا بر پا میکنند و برای خدای کوه مشروب ژاپنی "ساکی" را تزئین میدهند و پس از ادای احترام و طهارت بدن وارد کوه میشوند. در روستای مذکور کوه دارای دوازده درخت است که نشانه تولد کوه در روز دوازدهم دسامبر تعبیر میشود. عدد دوازده عدد مقدسی بشمار می آید و افزون بر آن کوه دوازده فرزند متولد کرده است. روایت است که در چنین روزی یعنی روز دوازدهم دسامبر نباید از کوه بالا رفت. در صورتی که این قرار مراعات نشود شخص بجای درخت شماره شده میشود و از آن پس هرگز نمی تواند از کوه باز گردد.



فرتور ۳ کوه مقدس و نمادین فوجی سان

تا این اواخر زن ها از رفتن به کوه های بسیاری منع شده بودند. حتی تا ده سال پیش جلوی ورودی کوهی در شمال غربی ژاپن (یاماگاتا) سنگی به نشانه زن تعبیه کرده بودند که خطاری برای زن ها بود تا از صعود به کوه پرهیز کنند. روایت است که زنخدا کوه نسبت به جنس زن بسیار حسادت میکند. در صورتی که احساس کند زن زیباتر از خود در کوه دیده شود به درون او نفوذ کرده و سبب مرگ او میشود. روایت دیگر این است که چون خون پلید بحساب می آمد و زن را آغشته به خون میدانستند ورود او را به کوه مقدس مجاز نمی شماردند. حتی اگر مردها هم زخمی میشدند و خون آلوده، از ورود به کوه منع میشدند. در صورت رعایت نکردن این رسم تضمینی برای جانسان وجود نداشت.

### خرافات دریا

زمانی که ماهیگیرها همکاران خود را در حوادث دریائی از دست میدادند، بخاطر ناتوانی در نجات آن ها احساس شرم و تاسف میکردند، و از جهتی نسبت به دریا و آب یک احساس منفی و تنفرآمیز در آن ها پیدا میشد. در مراسم سوگواری همکاران خود تزئین هائی از جمله اقلام خوردنی و آشامیدنی مورد علاقه شخص فوت شده را تهیه میکنند اما از گذاشتن آب بر روی میز خودداری میکردند.

مردم ساکن مناطق مجاور دریای ژاپن باور دارند که در دریا ارواح گمشدگان بسیاری وجود دارد و روزی در تابستان را تعیین کردند که نباید در آنروز به دریا نگاه کرد. زیرا روح ظاهر میشود و شخص را به درون دریا میکشد و او را غرق میکند. بنابراین در چنین روزی بهترین راه در خانه نشستن و در و پنجره اتاق ها را بر روی خود بستن بوده است.

در روستائی در جزیره کیوشو در جنوب ژاپن مردم معتقدند در روز مشخصی باید از دریا رفتن پرهیز کرد زیرا در این روز ممکنست میتی ظاهر شود یا وارد کشتی شود و یا آب فراوان به درون کشتی جاری کند و سبب غرق شدن کشتی و ماهیگیر شود.

ژاپنی ها رسمی به نام "اُبن"<sup>13</sup> دارند که در تاریخ پانزدهم جولای (در تقویم جدید در پانزدهم اوت) برگزار میکنند. مردم باور دارند که ارواح رفتگانشان در این روز باز میگردند تا با بستگان خود زمانی را بسر ببرند. بنابراین بستگان برای استقبال از ارواح خانه را تمیز میکنند و تزئیناتی از جمله خوردنی و اقلام غیر خوردنی که مورد علاقه رفتگان در زمان حیات آن ها بوده است تدارک می بینند. در جزایر کیوشو و شی کوکو مردم معتقدند که در چنین روزی نباید در دریا شنا کرد. در غیر این صورت ارواح از ته دریا ظاهر میشوند و پای شناگر را میکشند و او را غرق میکنند. در مناطقی باور دارند که ارواحشان ممکن است به شکل جانوران، حشرات ظاهر شوند بنابراین در روزهای اُبن در صورت مشاهده این نوع جانوران نباید آنان را اذیت کرد یا احیاناً کشت. رسمی در استان شیگا وجود دارد که در زمان اُبن وقتی ارواح کودکان باز میگردند نباید آن ها را به خانه راه داد زیرا این ارواح چون دلتنگی میکنند و احساس نیاز به پدر و مادر در آن ها قوی است آدم های

<sup>13</sup> Obon=お盆 = واژه اُبن ترجمه آوانی واژه. واژه اُبن رسم یقین دارند. واژه اُبن ترجمه آوانی واژه. واژه اُبن ترجمه آوانی واژه. «ارتاوران» در زبان پهلوی است. این واژه بعداً به «اهلوران» تبدیل می شود و پس از نفوذ در چین به ژاپن می آید و به «اُرابن» تغییر می یابد. اُبن خلاصه شده واژه اخیر است.



سالم را با خود به زور به خانه اجتماع ارواح میکشند و میبرند.



در جزایر سبتو در شرق ژاپن غواصان زن هستند که بکار فرو رفتن به اعماق دریا و جمع آوری صدف و محصولات دریایی دیگر اشتغال دارند. در بین آن ها رسم است که هرگز تنها به اعماق دریا فرو نروند زیرا در دریا اجنه و موجودات نامرعی ترسناکی ظاهر میشوند و با فریب، آن ها را به ته دریا میکشند و غرق میکنند. از این جهت غواصان معمولاً در گروه های دوفره و یا بیشتر به غواصی می پردازند. در صورت پیدایش این موجودات عجیب و غریب دو تا سه روز آن ها از کار غواصی دست میکشند.



### مراسم خرافی در ارتباط با کیک "موچی"

درست کردن "موچی" و خوردن آن در ژاپن عموماً همراه با تشریفات سنتی در تمام نقاط کشور رواج دارد. موچی برنج پخته شده است که آن را مکرراً می گویند تا بصورت خمیر در آید. موچی را یا روی آتش سرخ میکنند یا در درون سوپ مخصوصی مخلوط کرده تناول می کنند. تشریفات کوبیدن موچی و خوردن آن در مناسبت های فرخنده و جشن ها از دیرباز شایع بوده است. موچی نشانه احساس شکرانه از خدای برنج است. مردم اعتقاد دارند که در موچی روح خدا نهفته است و خوردن آن همراه با برکت و بار آوری است. در کوبیدن موچی ابزار موچی کوب(فرتور ۴) که از چوب ساخته شده است به نشانه آلت مرد و هاون سنگی یا چوبی که موچی کوب بر سر آن فرود می آید و در آن موچی به عمل می آید نشانه آلت زن قلمداد میشود.

در روزهای اول سال نو(اول ژانویه) رسم کوبیدن موچی، تزئین و خوردن آن بسیار عمومیت دارد. تزئین موچی بسیار نمادین و مفصل است(فرتور ۵) و به "کاگامی موچی"<sup>۱۴</sup> نامور شده است. هر بخش از این مجموعه کاگامی موچی از نام خاصی برخوردار است. کاگامی موچی به معنای آئینه ی موچی است. برای آئینه تعبیرهای گوناگونی شده است. برخی آئینه را بازتاب دهنده روح خدا، و جمعی آن را به یادآوری کردار و اندیشه نیک در زندگی تفسیر میکنند. کاگامی موچی را از روزهای اول تا ده روز در سال نو جنبه تزئینی خود را حفظ میکند ولی در روز یازدهم آن را "باز" کرده تناول میکنند. توجه کنید آن ها واژه "باز" کردن را برای شکستن موچی استفاده میکنند. برای موچی کاربرد واژه های شکستن یا بریدن منع شده است. این واژه ها بدیمن تشخیص داده شده اند.

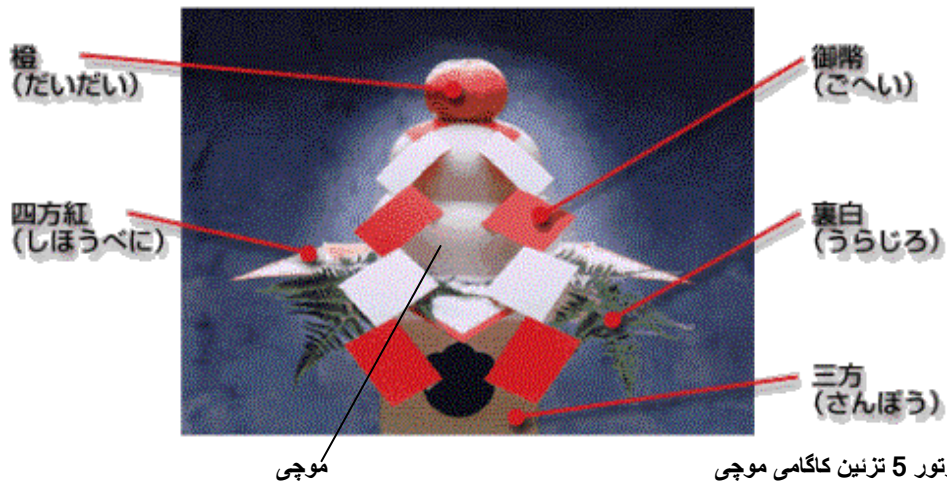


چپ: موچی ها به شکل چونه های گرد پرداخت میشوند



فرتور ۴ راست: روش و تشریفات آماده کردن موچی،

<sup>14</sup> Kagami-mochi = 鏡餅



فرتور 5 تزین کاگامی موچی

در نواحی حاشیه جزیره مصنوعی بی واکو<sup>۱۰</sup> در استان شیگا رسم است که از ماه ژانویه تا مارس هر سال پس از ساختن کاگامی موچی چونه های کوچکی از آن را به شاخه درخت آویزان میکنند که به نشانه پرباری محصول در سال در پیشرو است. افزون بر آن اهالی بر این باورند که در کاگامی موچی روح رفتگان نشان نهفته است و با خوردن موچی با ارواح وحدت پیدا میکنند.

در مناطقی که شالیزار برنج ندارند تقدس برنج و موچی کوبی و خوردن آن رایج نیست. مخصوصاً در روز سوم ژانویه نه موچی می کوبند و نه موچی می خورند. اهالی بر این باورند که در این روز زمانی در قدیم وقتی موچی می کوبیدند ابزار موچی کوب به سر کسی اصابت کرد و موچی آلوده به خون شد و از آن زمان مردم تصمیم گرفتند در این روز بد یمن از موچی کوبیدن و موچی خوردن پرهیز کنند.

رسم است هنگامی که اسکلت یک ساختمان پایان می پذیرد از بالای ساختمان بین مردم موچی پخش میکنند و یا موچی را به طرف پائین برای مردم پرت میکنند. قدیمی ترین باور که ریشه در آئین شینتوی ژاپن دارد این گونه است که درخت در کوهستان ها حاوی خدایان و زنخدایان است که به خوراک موچی هم بسیار علاقه دارند. زمانی که چوب درخت ها در ساختمان استفاده میشود خدایان هم به همراه آن ها به ساختمان منتقل میشوند. برای جدا کردن این خدایان از بالای ساختمان برای مردم موچی پرت میکنند.



با این منظور که خدایان به طرف موچی ها هجوم ببرند. این رسم را "پخش موچی" یا "پرتاب موچی" می گویند. اخیراً شادمانی حاصل از مالکیت برساختمان را بین اهالی تقسیم کردن تعبیر دیگر این رسم گزارش شده است.

در برخی از اوقات موچی ها را درون زر ورق می پیچند و آن را با یک ریسمان همراه با پنج ینی محکم میکنند و به طرف مردم پرت میکنند. در این رسم مخصوصاً کودکان برای بدست آوردن موچی تحرک

بیشتر دارند.

### خرافات در ارتباط با حیوانات

در برخی از استان های غربی ژاپن رسم بسیار خشن و ترسناکی برای نفرین شخص معمول است. با استفاده از سگ شخصی را که مورد تنفر و انزجار اهالی است به انجام گناه وا میدارند. از آن جایی که سگ در این مناطق از حیوانات مقدس بشمار می آید و بی احترامی و یا احیاناً اذیت آن مستوجب تکفیر است ترتیبی میدهند تا شخص اجباراً سبب اهانت و آزار سگ شود. گردن سگی را که از فرط گرسنگی در حال مرگ است می زنند و لاشه سگ را در جایی دفن میکنند که شخص منفور آن را لگد مال کند. بدین وسیله شخص که سگ مقدس را مورد اهانت قرار داده است دائم العمر باید این گناه را بدوش بکشد و در وضع اضطراب آوری زندگی کند.

روش دیگری که مشاهده شده است سگ را طوری زنده بگور میکنند که تنها سر آن از زمین بیرون باشد. سپس جلوی سگ غذا میگذارند ولی چون دسترسی به آن ندارد دچار گرسنگی شدید میشود. در آن زمان گردن سگ را میزنند و از استخوان سر سگ برای نفرین فرد استفاده میکنند.

در جاهای دیگر برای نفرین اشخاص از روباه استفاده میکردند. روباه بیشتر نزد اشخاص ثروتمند نگاهداری میشده است. این اشخاص از فن نفرین برخوردار بوده و به متقاضیان نفرین افراد کمک میکردند.

گرچه در فرهنگ سنتی ژاپن از قدیم حیوان توانائی بشمار می آمده است. از جهت این که سبب نابودی موش ها میشده است از احترام برخوردار بوده است ولی کمتر از سگ با انسان انس میگیرد. در قدیم روایت است که گرچه نعش را می رباید. هر جایی که نعش بوده است مواظب بودند تا گرچه به آن نزدیک نشود.

امروزه مشاهده مجسمه های گربه در جلوی دکان های شهر معمولی است. این گربه ها را گربه خوش یمن مینامند(فرتور ۶). اگر پای چپ جلویی گربه بلند شده باشد نشانه خوش آمد گوئی و جذب مشتری است. بالا بودن پای راست جلویی گربه نشانه برکت و رونق کسب است. بالا رفتن هر دوی پاها به نشانه تسلیم و شکست و اکثراً بد یمن انگاشته میشود و معمولاً کمتر این حالت قابل مشاهده است. ولی در برخی از شهرها به نسانه تعادل به نمایش گذاشته میشود. در زمان های نه زیاد دور زن عشوه گری که محبوب عام نیز بوده است گربه ای داشته است که بسیار مورد علاقه او بوده است. همیشه با گربه خود سیر و سیاحت میکردند ولی ظاهراً این گربه بعلتی میمرد. مجسمه ساز معروف شهر ماکت ظریف و زیبایی گربه او را میسازد تا بجای گربه زنده همیشه با خود حمل کند و بدین وسیله موجب شادی و رضایت زن عشوه گر میشود. گربه از آن تاریخ به بعد عزیز میشود و مورد علاقه عموم قرار میگیرد.



فرتور ۶ مجسمه گربه های خوش یمن و بد یمن

در میان ژاپنی ها کاملاً روایت جا افتاده ای وجود دارد که می گویند عنکبوت را نباید در روز کشت. ولی می تواند آن را در شب کشت. عنکبوت در روز دوست انسان و یاری دهنده به او است ولی در شب به شیطان بدل می شود و باعث آزار انسان است، بنابراین می توان آن را در شب کشت ولی در روز از مهر آن بهره برد.

در بسیاری از خانه ها دیده شده است که یک مجسمه سفالی غورباقه را در باغچه خود نگهداری میکنند. جنس این مجسمه ممکن است متغیر باشد. غورباقه را در زبان ژاپنی کائرو<sup>۱۶</sup> می گویند. این واژه هم آوا با واژه کائرو<sup>۱۷</sup> به معنای بازگشتن (کانجی دو واژه تفاوت دارد) در ژاپنی است. چون واژه کائروی غورباقه تداعی گر پدیده بازگشت است و این بازگشت، به بازگشت ارواح عزیزان فوت شده خانواده تعبیر میشود مجسمه غورباقه به عنوان نماد این بازگشت و آرزوی تحقق آن در خانه ها نگهداری میشود.

مار زمانی به عنوان جانور مقدس مورد پرستش قرار میگرفت. امروزه بی شک حیوان خطرناک و آزاردهنده تلقی میشود. اما امروزه نیز پوست سفید مار برکت زا پنداشته شده است. قراردادن قطعه ای از پوست مار سفید در کیف سبب برکت و مکننت میشود. مارهای مقدس نباید مورد توهین قرار گیرند. روایت است که اگر این مارها را با انگشت نشانه رویم آن انگشت پس از مدتی می پوسد و قطع می گردد. برای جلوگیری از پوسیدگی انگشت و رهائی از انتقام مار یا باید انگشت را گاز گرفت یا رویش تف انداخت.

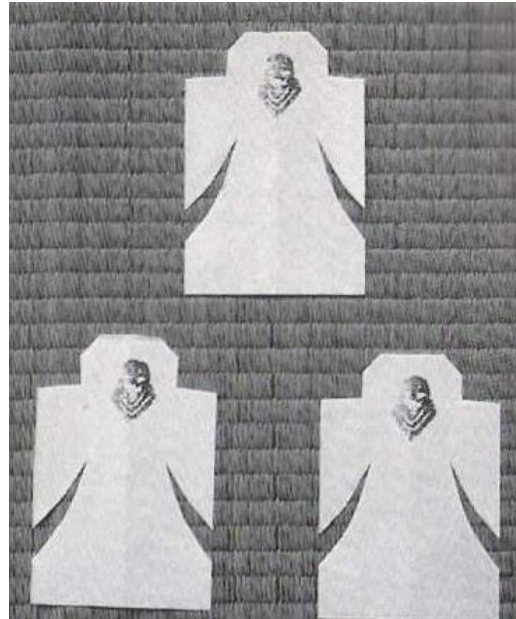
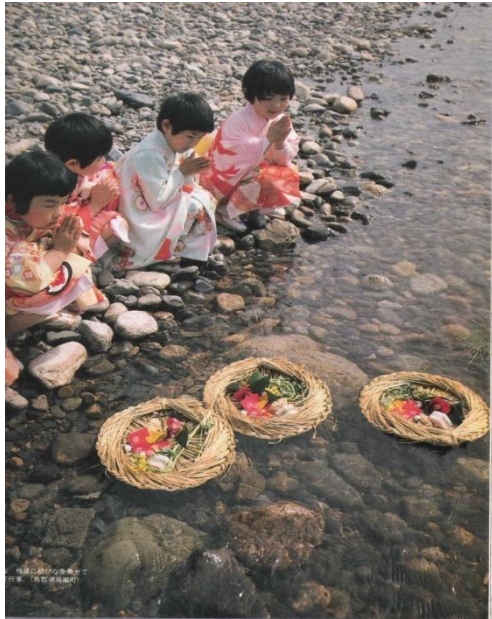
در اسطوره های ژاپنی روایت می شود که خرگوش حیوان با هوش و پیش گوئی است. ظاهراً عشق ورزی و ازدواج خدایان باستان را پیش بینی کرده است. در معابد گوناگونی خرگوش پیام آور سرور معبد شناخته شده است. در معبدی در استان سایتاما بجای مجسمه شیر که در دروازه ورودی بسیاری از معابد از بازدید کنندگان استقبال میکند مجسمه سنگی خرگوش دیده می شود. چون خرگوش بیشتر در شب فعال است به حیوان شبرو معروف است. از این خاطر می گویند خرگوش در ماه آشیانه دارد و معمولاً در مهتاب است به فعالیت می پردازد.

### خرافات متفرقه

در زمان های پیشین در بسیاری از نقاط ژاپن رسم بود چنانچه اتفاق غیر مترقبه یا خبطی از طرف کسی رخ میداد عروسک های ساده کاغذی نمادینی درست میکردند (فرتور ۷) و آن ها را به عنوان حاملین گناهان خود در رودخانه روان میکردند و آن ها را تا محو شدن از میدان دید تعقیب میکردند. رسم انداختن عروسک در آب برای تیرنه شدن از گناهان بوده است. این رسم هم اکنون نیز در برخی از روستاهای ژاپن برگزار میشود. اساساً عروسک در ژاپن نماد آلودگی به گناه شناخته میشد و تنها در مواقعی که خبطی، ناهنجاری رخ میداده است مورد استفاده قرار میگرفته است. بی شک معنای عروسک و جایگاه امروزه آن با تغییرات فرهنگی عرصه زندگانی تفاوت کرده است.

<sup>16</sup> kaeru=蛙

<sup>17</sup> kaeru=帰る



فرتور ۷ راست: عروسک های کاغذی دو بعدی، چپ: عروسک های شناور در رودخانه



در استان یاماناشی در شرق ژاپن اعتقاد به سنگ مخصوصاً سنگ های گرد صیقل شده رواج دارد. مردم بر این باورند که در سنگ خدای دوسوشین<sup>۱۸</sup> (فرتور ۸) منزل کرده است و عبادت آن ها رفع حاجت میکند. در مسیر شهر و روستا بیش از ۲۰۰ تا ۳۰۰ مجسمه دوسوشین (که زوج اند) تعبیه شده است. مردم این ناحیه سنگ های صیقل شده و گرد را از رودخانه جمع آوری میکنند و در خانه خود به تزئینات میز عبادت می افزایند. در زمان جنگ این سنگ ها را عبادت میکردند تا شوهر یا جوانانی که به جنگ اعزام شده اند سالم به خانه و کاشانه خود برگردند. آن ها معتقد بودند در صورتی که شوهر یا جوانشان به خانه برنگردد سنگ ها سنگین می شوند و در صورت احتمال رجعت آن ها از میدان جنگ سنگ ها سبک وزن میشوند.



فرتور ۸ مجسمه خدای دوسوشین- همیشه به صورت زوج ظاهر می شوند و آن ها نشانه جنس مرد و زن اند.

<sup>18</sup> Dososhin=道祖神

در استان اوکیناوا مردم در خانه خود سنگ نگاهداری میکنند و معتقدند این سنگ ها از جان اهالی خانه مواظبت میکنند. زمانی که فردی از اعضای خانواده فوت میکند سنگ را ناتوان و بیهوده تلقی میکنند، آن را به در می اندازند. برای جمع آوری سنگ نو و پر تحرک در رودخانه به جستجوی می پردازند. سنگ جدید را به جای سنگ قدیمی قرار می دهند. آن ها بر این باورند که سنگ اطراف و ساحل رودخانه چون نر معرض رعد و برق قرار دارد نیروی حرارت و آتش را در خود نهفته کرده و بنابراین از پتانسیل حفرت جان اهل خانواده برخوردارست. آتش که در پیوند با سنگ مطرح است مقدس و عامل نوزائی تعبیر میشده است.

مردم ژاپن بدون استثنا در فصل بهار فردی یا دسته جمعی به دیدن گل های ساکورا(شکوفه های گیلاس)(فرتور ۹) به پارک ها میروند. این رسم کاملاً عمومی است و مردم با نظاره گل های ساکورا و محو شدن در جو رمانتیک و زیبایی آن دقایقی را به شادی و شغف میگذرانند. در زمان های کهن اهالی برای پربری محصولات زراعی به کوه ها میرفتند و عبادت خود را از راه تماشای گل هاو کرنش در برابر آن ها بجای می آوردند. تماشای گل ها یا زیارت آن ها به عنوان یک رسم مذهبی مطرح بوده است. تماشای گل در زمان های مختلف با برداشت های گوناگون همراه بوده است. تماشای گل های ساکورا از عصر هی آن<sup>۱۹</sup>(۱۱۸۵-۷۹۴) رایج شد. تا زمان هی آن مردم به تماشای گل های آلو می رفتند ولی از آن زمان به بعد به جهت این که اشراف هی آن از گل ساکورا خوششان می آمد در بین مردم نیز تماشای این گل مرسوم شد. با وجود این که تماشای ساکورا در فصل بهار به شکل یک رسم شادآفرین و فرح انگیز برگزار میشود ولی درخت ساکورا در عصر کهن به درخت مرگ موسوم بوده است. اهالی محل جسد فوت شدگان خود را در زیر درخت ساکورا دفن میکردند. در استان ناگانو روایت شده است که با زخم بر پوسته درخت ساکورا شیره سرخ به مانند خون جریان پیدا کرده است. در حقیقت تماشای ساکورا برابر با ادای احترام به روح فوت شدگان بوده است.



فرتور ۹ : گل های ساکورا.....: شکوفه های آلو

در میان ژاپنی ها روایت است که ناخن گرفتن در شب بد یمن است. برای این منع شوندهای(دلایل) گوناگونی ابراز شده است. باورهای دینی معتقد است که در تمام ذرات بدن از جمله ناخن و موی سر و غیره روح نهفته است و چنانچه در شب ناخن پراکنده شود ممکنست سبب تحریک ارواح خبیثه شود و آن ها را به شیطنت

<sup>19</sup> Hei-an=平安時代 (794-1185)

برانگیزد. شوندد دیگری که بیان میشود این است که چون در قدیم وسایل روشنایی وجود نداشت و حتا شمع و روغن نیز گران بود ارزش نداشت بخاطر ناخن گرفتن در شب متحمل هزینه تهیه وسایل روشنایی بشوند، بنابراین ناخن گرفتن در شب را بد یمن تلقی کردند. یا این که ناخن پراکنده چنانچه در کوره ای بیافتد و بسوزد بوی مرده ی سوخته شده ای را متصاعد میکند که انسان را به یاد مرگ می اندازد، بهتر است از ناخن گرفتن در شب احتراز شود.



در استان های شمال شرقی ژاپن در برخی از خانه ها مردم بت خدایانی را در خانه خود حفاظت میکنند و در زمان مناسب برای آن ها تشریفاتی برگزار میکنند. به این بت ها "اوشیراساما" می گویند. نمونه ای از بت ها در فرتور ۱۰ نشان داده شده است. این دوبت هر کدام بطول ۳۰ سانتی متر از چوب بلوط که بمثابه زوج زنو مرد هستند درست شده است. یکی از آن ها کلاه کلاغی سر اسب دارد و دیگری جایگاه ملکه دارد. هر ساله در پانزدهم ماه زانویه این بت ها را بیرون می آورند و طی تشریفاتی آن ها را آرایش میکنند و لباس جدیدی به لباس های قدیمی آن ها می افزایند. رسم است که سالمندترین زن خانواده در چنین روزی با این بت ها طالع بینی میکند و آرزوی سالی خوش یمن میکند. در حین تشریفات سنتی نباید جلوی این بت ها گوشت و تخم مرغ تزئین داد که بت ها از این اقلام غذائی متنفرند. از قرار معلوم تا بحال کسی از ساختار بدنی آن ها خبر ندارد. این بت های نمادین یادگار روایاتی از یک رخداد شناخته شده اند.



فرتور ۱۰. بت های اوشیرا ساما

روایت است که در عصر باستان دختری به ازدواج یک اسب در می آید ولی پدر دختر از این ازدواج بسیار خشمگین می شود و اسب را میکشد. دختر با پوست اسب یک قایق میسازد و با چوب بلوط پارو درست میکند و سر به دریا میگذارد. پس از آن دختر به سبب دلتنگی و مرارت در دریا جان می سپارد. وقتی جسد دختر را کشف میکنند از جسد او کرم ابریشم می جوشد.



امروزه نیز میان کودکان معمول است که برای قول گرفتن از یکدیگر در حالی که انگشت کوچک خود را با هم حلقه میکنند آواز مخصوصی را زمزمه میکنند با این مضمون:

指切りげんまん (yubi-kiri genman)::

指切りげんまん (yubi-kiri genman)

嘘ついたら (uso tsuitara)

針千本飲ます (hari senbon nomasu)

指切った (yubi kitta.)。

برگردان:

حلقه انگشت را ببریم،

حلقه انگشت را ببریم،

هرکی دروغ بگه،

هزار تا سوزن برآش،

انگشت را بریدم آ...



این آواز میراث زندگی دردناک دختران بخت برگشته ایام باستان است.

در قدیم خانواده های ژاپنی به جهت فقر فرزندان خود را یا دور می انداختند یا زنده بگور میکردند و یا به کارهای ناهنجار از جمله فاحشه گری وادار میکردند. از این نظر دخترها مجدانه تلاش میکردند تا هر چه زودتر با پسری ازدواج کنند و تشکیل خانواده بدهند و از شر آوارگی رهائی یابند. زمانی که عاشق پسری میشدند برای بیان شدید وفاداری و عشق خود انگشت خود را می بریدند و به معشوق میدادند. در مقابل به معشوق خود میگفتند: من با قطع انگشت خود وفاداری خود را ثابت کردم چنانچه تو به قول خود وفا نکنی هزارن بار میزنمت و به اندازه خوردن هزار قطعه سوزن سبب رنجت خواهم شد.



جارو به عنوان یک وسیله رفت و رو و نظافت کننده تقدس خدائی دارد. عمل رفت و رو یا بیرون راندن اشغال را با زایمان زن حامله قیاس می کنند. به عبارتی جارو سمبول یا نماد زایمان طبیعی زن باردار قلمداد می شود. یک جارو در جوار متکای زن حامله می گذارند و با توسل و دعای به جارو زایمان طبیعی و آسانی را برای زن حامله طلب می کنند. گاهی هم با یک جارو روی شکم زن حامله را نوازش می دهند. چنانچه به این نماد زایمان توهین شود ممکنست زن حامله فرزند خود را سقط کند. بنابراین پایمال کردن جارو یا شکاف در ریشه های آن وارد کردن تقبیح شده است.



در نقاطی از ژاپن از جمله شهر کیوتو مرسوم است هنگامی که از میهان ناخوانده دلخور می شوند و در صد جواب کردن او بر می آیند یک جارو را در خانه به گونه ی واژگون قرار می دهند که به نشانه هر چه زودتر "برو بیرون ازخانه" است. میهان ناخوانده با دیدن جاروی واژگون حساب کار خود را می کند و زودتر رفع زحمت می کند.





روایت است که دندان های انسان به مثابه سرمایه آدم است. سرمایه لزوماً به دارائی پولی محدود نمی شود، پدر و مادر، دوستان و آشنایان هم سرمایه محسوب می شوند. دندان های جلویی نماد جوان ها، دندان های عقب نشانه سالمندان، دندان های طرف راست نماد مردان و طرف چپ نماد زنان است. در باورهای قدیمی که هم اکنون نیز اعتبار دارند خواب از دست دادن دندان چپ عقبی مرگ مادر یا مادر بزرگ را پیش بینی می کند. در صورتی که شخص چنین خواب هائی را تجربه کند بهترست بیشتر از اشخاص مربوطه دلجوئی کند. طبق باورهای سنتی خواب از دست دادن دندان ها به جهت وجود تشویش و پریشانی روحی حادث می شود.



طبق باورهای آئین باستانی شینتوی ژاپن خدا در همه جا وجود دارد. استعاره "هشت میلیون خدا" برای توجیح این مفهوم مشهور است. در توالت هم خدا وجود دارد. بنابراین توالت مکان مقدسی است که نباید حتی آب دهان در آن انداخت. آب دهان انداختن در توالت توهین به خدای توالت محسوب می شود و سبب انتقام گیری این خدا از شخص گناهکار می شود. بر عکس نظافت و برق انداختن توالت سبب زیبایی و آرامش خاطر زن و اگر زن حامله باشد فرزندش نیز از موهبت این خدا برخوردار می شود. حتی در توالت کاکامی موچی تزئین می کنند. از اوایل سال نوی ۲۰۱۱ میلادی آهنگی با موضوع "خدای توالت" در سراسر ژاپن مشهور شد که نشانه زنده بودن این باور در میان ژاپنی هاست. خواننده این آهنگ جایزه "فرهنگ شادمانی" این کشور را از آن خود کرد. می توانید ویدئوی این آهنگ را در لینک زیر مشاهده کنید و برگردان فارسی آن را نیز در دنباله ملاحظه کنید.

<http://www.youtube.com/watch?v=Z2VoEN1iooE>

#### خدای توالت

نمی دونم چرا، ولی از کلاس سوم دبستان،  
با مادر بزرگم زندگی می کردم،  
خونه اون آدر همسایگی ما بود،  
با این حال با مادر بزرگم زندگی می کردم،  
هر روز کمک اون می کردم،  
با هم بازی گوموکو می کردیم و،  
اما نمی دونم دلم نمی آمد توالت رو جارو کنم،  
مادر بزرگ همش می گفت:

توی توالت زرخدای قشنگی است، میدونی؟

اگه هر روز توالتو تمیز کنی،

مثل خدای توالت خوشگل میشی یا،

از اون روز به بعد هر روز شروع کردم توالت رو برق انداختن،

خوب، می خواستم خوشگل بشم،

هر روز هر روز برق انداختم،

دو نفری با هم خرید هم رفتیم و،  
با هم خوراک اردک خوردیم،  
مادر بزرگ وقتی نوار تئاتر جدیدمو قر و قاطی کرد،  
گریه کردم و اونو دعوا هم کردم،  
توی توالت زنخدای قشنگی است، میدونی؟  
اگه هر روز توالتو تمیز کنی،  
مثل خدای توالت خوشگل میشی یا،  
وقتی کمی بزرگتر شدم، با مادر بزرگ آیمو توی یک جوب نمی رفت،  
با خانواده خودم هم جور در نمی اومدم، دیگه جایی برای خودم نیافتم،  
روزای تعطیل دیگه به خونه بر نمی گشتم،  
همش با دوست پسرم سرگرم بودم،  
بازی گوموکو و خوراک اردک هم از بین ما رخت بر بست،  
آه، چرا چرا آدما همدیگه رو آزار میدن،  
چرا آدمای خوب را بر باد میدن،  
چرا مادر بزرگ رو که همیشه حامی من بود باید رها کنم،  
تنها بشم و از خانه و کاشانه به بُرم؟  
دو سالیه که از خونه بیرون زدم،  
مادر بزرگ بیمار شده و در بیمارستان بستری،  
لاغر و رنجور شده مادر بزرگ،  
رفتم به دیدن مادر بزرگ در بیمارستان،  
"مادر بزرگ سلام" گفتم مثل روزهای قدیم،  
همین و همین گفتم، ولی مادر بزرگ،  
"برو، برو، برگرد"، مادر بزرگ منو بیرون کرد،  
صبح روز بعد مادر بزرگ ساکت به خواب ابدی فرو رفت،  
اوه، مثل این که مادر بزرگ منتظر دیدن من بود،  
آه، عجب از من که نتوانستم قدر اون رو بدونم،

ولی او با وجود این نوه نمک نشناس منتظر من موند،  
توی توالت زرخدای قشنگی است، میدونی،  
حرف مادر بزرگ من رو امروز خوشگل کرده آیا،  
توی توالت زرخدای قشنگی است، میدونی،  
اگه هر روز توالتو تمیز کنی،  
مثل خدای توالت خوشگل میشی یا،  
من که همش دلم می خواست همسر خوش خلقی باشم،  
امروز هم بی دریغ توالتو تمیز میکنم، هی جارو میزنم،  
مادر بزرگ،  
مادر بزرگ، ممنونم  
مادر بزرگ، راستی که ممنونم،  
آری گاتو.



روایت است که نباید آئینه یا قطعات آن را که دور انداخته اند جمع آوری کرد. آئینه از قدیم جسم اسرار آمیزی پنداشته شده است. آئینه به همراه مهره و شمشیر یکی از سه ابزار مقدس خدائی در آئین شینتو بشمار می آید که در معابد حفاظت می شود. مردم ژاپن بر این باورند که آئینه نه فقط ظاهر اشخاص را منعکس می کند بلکه روح فرد را نیز در خود ذخیره دارد. بنابراین جمع آوری آئینه یا قطعات آن بد یمن قلمداد شده است زیرا ممکنست حاوی روحی آزار دهنده ای باشد.



می گویند شعله شمع نباید با فوت خاموش کرد. زیرا بازدم انسان آلوده است و سبب آلودگی و در نتیجه توهین به شعله آتش می شود. از آن جایی که دهان دروازه ورور هر گونه روحی می باشد ممکنست هر لحظه ارواح خبیثه وارد آن شوند و برای مدت ها در آن ساکن گردند. در روزگاران باستان خمیازه را شیطنت ارواح خبیثه می دانستند که هدف از آن وارد شدن به داخل دهان بوده است. معمولا در مراسم سوگواری و دعاخوانی آئین های بودیسم و شینتو تزئین آتش از الزامات است و آتش را شایسته احترام و ستایش می دانند.<sup>۲۰</sup> در مقابل آتش دینمردان جلوی دهان خود را با برگ های پهن گل کاملیا می پوشاندند تا شعله آتش را آلوده نکنند. این آتش نه برای روشنائی بلکه برای طهارت بخشیدن روح فوت شدگان بر پا می شود.

---

<sup>۲۰</sup> پرستاری و ستایش آتش رسم مشترکی در فرهنگ دینی ایران و ژاپن است. نفوذ فرهنگ ایران در رسوم آتش افروزی و ستایش از آن در ژاپن بوسیله پژوهشگران بسیاری ابراز شده است. در مراسم آئین زرتشتی هم موبدان مناسک خود را در حالی که ملیس به لباس های سفید همراه با ماسک است در جلوی آتش بر قرار می کنند.

◆

یاپنی ها برای فرزندان خود جشن "شی چی گوسان"<sup>۲۱</sup> یا جشن های هفت، پنج و سه سالگی بر گزار می کنند. این جشن ها قدمتی بیش از دویست سال دارد. در اصل برای گرامی داشت رشد فرزندان خود این رسوم را برگزار می کنند. جشن هفت سالگی برای فرزند دختر، جشن پنج سالگی برای فرزند پسر و جشن سه سالگی ممکنست هم برای دختر و هم برای پسر بر گزار می شود. دختران در سن هفت سالگی کیمونو با کمر بند بالغین(فرتور ۱۱) می پوشند و پسران را ملیس به نوعی لباس به نام هاکاما<sup>۲۲</sup> می کنند و فرزند سه ساله اجازه می یابد موی خود را بلند کند. اولیاء فرزندان را باآرایش جدیدی به معابد و یا دیگر مجالس می برند و مراسم شکرگزاری و رضایتندی را بعمل می آورند.



فرتور ۱۱ از راست به چپ: پوشش دختر هفت ساله، پسر پنج ساله و دختر سه ساله

◆

بر پایه این باور که چون پاهای انسان چون زمین را لگد می کنند، بنابراین گرفتار ارواح خبیثه اند. اصطلاحات معطوف به پای انسان در ادبیات ژاپنی بسیار یافت می شود. برای نمونه در مورد مواد غذایی فاسد شده اصطلاح "پایش سریع است"<sup>۲۳</sup>، یا گران بودن خرج را "پایش در آمد"<sup>۲۴</sup> می گویند. مجرمی را که رد پائی از خود به جای گذاشته باشد "پایش باقی ماند"<sup>۲۵</sup> و یا در صورتی که توبه کند او را "پایش را شست"<sup>۲۶</sup> لقب می دهند. استناد بر همین باورست که ژاپنی ها در موقع نشستن روی کف اتاق سعی می کنند کف پایشان در میدان دید شخص همنشین قرار نگیرد. بهترین یا صحیح ترین نوع نشستن را "سه زا" (فرتور ۱۲) می گویند، روشی که اگر عادت نکنید با خوابرفتگی شدید پاها مواجه خواهید شد.

21 Shichi-Go-San=七、五、三

22 hakama-gi=袴着

23 ashi ga hayai=足が早い

24 ashi ga deta=足が出た

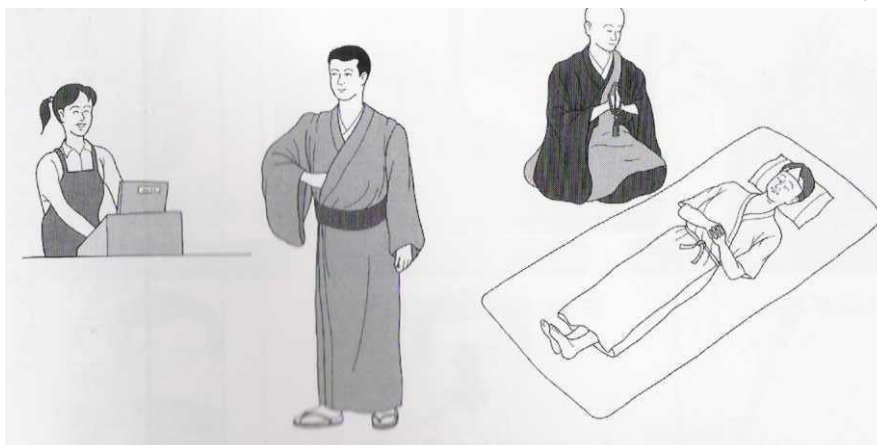
25 ashi ga tsuku=足がつく

26 ashi o haratta =足を洗った



فرتور ۱۲ طرز نشستن "سه‌زا"

همان طور که در فرتور ۱۳ مشاهده می‌شود طرز پوشاندن کفن به جسد با پوشش فرد عادی متفاوت است. پوشش یکسان را بد یمن دانسته اند زیرا مرگ شخص عادی را تداعی می‌کند. در افراد عادی باید برگه نیمه چپ لباس روی برگه نیمه راست آن پوشیده شود حال آن که در مورد جسد کاملاً بر عکس یعنی برگه نیمه راست کفن باید روی برگه نیمه چپ آن پوشانده شود. در فرد عادی دست راست می‌تواند درون لباس وارد شود و این کاربردی نوع پوشش را می‌رساند.



فرتور ۱۳ تفاوت پوشش فرد عادی با پوشاندن کفن به جسد- ضمناً به طرز قرار دادن نمادین دست‌های جسد هم توجه کنید. جسد را در ژاپن آرایش میکنند تا در حد امکان چهره طبیعی خود را بازیابد.

در زبان ژاپنی به مُتکا "ماکورا"<sup>۲۷</sup> می‌گویند. واژه ماکورا مشتق از واژه "تاماکورا"<sup>۲۸</sup> است. تاماکورا به معنای نشستگاه روح است. تعبیر آن هم بسیار ساده است. ژاپنی‌ها معتقدند سر انسان محل سکونت روح است و زمانی که روی متکا قرار می‌گیرد این روح به متکا منتقل می‌شود. بنابراین متکا از اقسام مقدس بشمار می‌آمده است. لگد کردن متکا یا روی آن نشستن توهین به متکا و گم شدن آن ربایش روح از تن شناخته شده است.

<sup>27</sup> makura=まくら

<sup>28</sup> tamakura=魂座

## مراجع

1. 日本の風習としきたり研究会: 本当は怖い日本の風習としきたり一〇〇もの日常に隠された驚きの真実、株式会社イースト・プレス2010
2. 日本の暮らし研究会: 「図解」日本のしきたりがよくわかる本一 PHP 研究所、2009
3. 神崎宣武: しきたりの日本文化、角川ソフィア文庫2008
4. <http://ja.wikipedia.org/wiki/%E9%81%93%E7%A5%96%E7%A5%9E>
5. <http://www.bunsugi.ed.jp/pasodou/dento/mochituki.htm>
6. <http://ja.wikipedia.org/wiki/%E9%A4%85>
7. <http://ja.wikipedia.org/wiki/%E9%A4%85#.E3.81.A4.E3.81.8D.E9.A4.85.EF.BC.88.E6.90.97.E3.81.8D.E9.A4.85.EF.BC.89>
8. <http://www5b.biglobe.ne.jp/~okasiya/okazarimoti.htm>
9. <http://shisly.cocolog-nifty.com/blog/2010/09/post-ab31.html>
10. [http://www.google.co.jp/images?q=%E6%8B%9B%E3%81%8D%E7%8C%A&oe=utf-8&rls=org.mozilla:ja:official&hl=ja&client=firefox-a&um=1&ie=UTF-8&source=univ&ei=FH4tTdS\\_L5CGvgPo3ui0CQ&sa=X&oi=image\\_result\\_group&ct=title&resnum=6&ved=0CGAQsAQwBQ&biw=1280&bih=835](http://www.google.co.jp/images?q=%E6%8B%9B%E3%81%8D%E7%8C%A&oe=utf-8&rls=org.mozilla:ja:official&hl=ja&client=firefox-a&um=1&ie=UTF-8&source=univ&ei=FH4tTdS_L5CGvgPo3ui0CQ&sa=X&oi=image_result_group&ct=title&resnum=6&ved=0CGAQsAQwBQ&biw=1280&bih=835)
11. [http://www.google.co.jp/imglanding?q=%E4%B8%83%E4%BA%94%E4%B8%89&um=1&hl=ja&client=firefox-a&sa=X&rls=org.mozilla:ja:official&biw=1280&bih=835&tbs=isch:1&tbnid=VDxweulFAh7OHM:&imgrefurl=http://www.moritojinja.com/newpage4.html&imgurl=http://www.moritojinja.com/icon/sitigosan\\_set1.gif&ei=b4U1Tb6IPIOusAOZ7ci6BQ&zoom=1&w=500&h=500&iact=hc&oei=WIU1TeGfEcWDcNCN7JwH&esq=3&page=1&tbnh=153&tbnw=152&start=0&ved=1t:429,r:1,s:0](http://www.google.co.jp/imglanding?q=%E4%B8%83%E4%BA%94%E4%B8%89&um=1&hl=ja&client=firefox-a&sa=X&rls=org.mozilla:ja:official&biw=1280&bih=835&tbs=isch:1&tbnid=VDxweulFAh7OHM:&imgrefurl=http://www.moritojinja.com/newpage4.html&imgurl=http://www.moritojinja.com/icon/sitigosan_set1.gif&ei=b4U1Tb6IPIOusAOZ7ci6BQ&zoom=1&w=500&h=500&iact=hc&oei=WIU1TeGfEcWDcNCN7JwH&esq=3&page=1&tbnh=153&tbnw=152&start=0&ved=1t:429,r:1,s:0)
12. <http://nagemochi.jp/>
13. <http://nire.main.jp/sb/sb.cgi?cid=10>